

استراتژی جهان و امنیت غذایی

روند کاهنده سهم ایران از صادرات مواد غذایی در بازارهای بین‌المللی

ژیلا علیزاده

مقدمه

۱۲ درصد است.

صنعت غذایی ایران در حال حاضر از جمله صنایعی است که به عقیده عده‌ای از کارشناسان، همانند صنعت نساجی یا بحران مواجه شده است. سهم ایران از صادرات مواد غذایی در بازارهای بین‌المللی هر روز کاسته می‌شود و بازار داخلی نیز به دلیل فشرده شدن عرصه رقابتی، دچار آشفتگی و سردرگمی است. سهم کشور ایران به نسبت ارزش صادرات کل دنیا در حدود ۲/۳۴ درصد است. در بخش صنایع غذایی و کشاورزی ارزی آن در حدود ۱۵ درصد و ارزش آن نیز در حدود ۱۰۰ درصد است که هیچ صنعتی از چنین ارزش افزوده بالایی برخوردار نیست.

ارزش افزوده صنایع غذایی در جهان حدود ۹۳ درصد است و این صنعت جزو صنایع ارزش‌بشمار نمی‌رود.

به همین دلیل است که ارتقای کیفیت محصولات غذایی ایران، افزایش صادرات و راه‌های هماهنگی با برنامه‌های تجارت جهانی که نیاز صنایع غذایی در ایران است، مورد توجه صاحبان این صنعت خواهد بود.

با رونق گرفتن بازار اقتصاد توسعه، نظریه‌های خوداتکایی و خودکفایی غذایی نیز یکی از محورهای عمده بحث‌های روشنفکری و ملی شد و هنوز هم علی‌رغم افت و خیزهای بسیار، یکی از گفت و گوهای مهم و یکی از سیاست‌های اقتصاد ملی بسیاری از کشورها بشمار می‌رود. بحث‌های تغییرات ساختاری، آزادسازی اقتصادی، روی آوری بسیاری از کشورها به پذیرش قوانین عرضه و تقاضا، رقابت و دست‌های نامرئی و سرانجام، مقوله جهانی شدن اقتصادهای ملی که بسیاری از دیوارهای حمایتی ملی را فرو ریخته و افزایش رفاه ملی را در چارچوب رفتارهای اقتصاد آزاد بین‌المللی جستجو می‌کند نیز گرچه در نحوه نگرش به حل مسأله تأمین غذا تأثیراتی عمیق برجای گذاشته است، ولی بر خلاف بسیاری از زمینه‌ها، در این مورد، به لزوم اتخاذ تمهیدات غیراقتصادی و اقدامات بشر دوستانه و همه چیز را در چارچوب محاسبات اقتصادی ندیدن، تن در داده است.

در این مقاله تلاش شده است تا پاره‌ای از مفاهیم، اقدامات و دستاوردهای بین‌المللی در این زمینه که با عنوان «امنیت غذایی» اهمیت روزافزون یافته است، بررسی شود.

سهم ایران از مواد غذایی در بازارهای بین‌المللی

مطالعات برخی از مؤسسات تحقیقاتی نشان می‌دهد که غذاهای آماده شده در قرن جدید، پدیده جهانی شدن، تغییر بازارهای خدمات غذایی و خرده‌فروشی، تجارت تکنولوژی و تغییر و تحول در بازار مصرف‌کنندگان، موضوعاتی هستند که از ضرورت یک استراتژی جدید در طی دو سه سال آینده برای صنعت مواد غذایی حکایت می‌کنند.

اعتقاد کارشناسان تجارت صنایع غذایی بر این است که در شرایط جاری، صنایع غذایی عامل مهمی در اقتصاد همه کشورها بشمار می‌روند. در آمریکا این صنعت معادل یک تریلیون دلار ارزش دارد که ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور را شامل می‌شود. در کانادا بخش صنایع غذایی ۱۳ درصد GDP، در مکزیک ۱۱ درصد و در اتحادیه اروپا

اروپای غربی، آمریکای شمالی، آسیا و آمریکای لاتین سهم عمده‌ای در این تجارت دارند.

کشورهای توسعه یافته نیز خود از مهم‌ترین مراکز تهیه و صدور مواد غذایی آماده شده هستند که از آن جمله می‌توان به فرانسه، آمریکا، آلمان و هلند به عنوان اصلی‌ترین کشورهای یاد شده اشاره کرد. اما تعداد دیگری از کشورهای کم توسعه یافته مانند برزیل، چین و تایوان هم از دیگر تهیه‌کنندگان محصولات غذایی آماده شده بشمار می‌روند. آمریکا با ۹ درصد سهم از این بازار، همواره در معرض خطر از دست دادن این موقعیت است. در واردات مواد غذایی آماده نیز همچنان آمریکا در صدر واردکنندگان قرار گرفته است و پس از آن، کشورهای آلمان، ژاپن، انگلیس، فرانسه و ایتالیا هستند. این شش کشور، ۴۱ درصد واردات مواد غذایی آماده شده را به خود اختصاص می‌دهند. اما سهم ایران - همان‌طور که گفته شد - در صادرات هر روز کاهش می‌یابد و تولیدکنندگان نیز افزایش کیفیت و ورود به بازار جهانی و هماهنگی با برنامه‌های تجارت جهانی را در اولویت کار خود قرار داده‌اند.

امنیت غذایی (تعاریف)

برای امنیت غذایی تعاریف رسمی متعددی وجود دارد که نمایانگر تکامل نگرش بین‌المللی به این موضوع است. در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت غذا.

نه سال بعد، سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (FAO) تعریف زیر را پیشنهاد کرد: امنیت غذایی، یعنی اطمینان از این که همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی دارند.

بانک جهانی هم در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به شرح زیر تعریف کرد: امنیت غذایی عبارت است از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور یک زندگی سالم و فعال. کنفرانس بین‌المللی تغذیه در سال ۱۹۹۳ نیز تعریف بانک جهانی را به

جهانی شدن و صنایع غذایی

به گزارش یک مؤسسه تحقیقاتی بین‌المللی در آمریکا به نام Pnomen به طور کلی، رشد عمده تجارت طی یک دهه گذشته عمدتاً توسط اتحادیه‌های اقتصادی مانند نفتا (NAFTA)، در آمریکای شمالی، کشورهای مرکوسور (MERCOSOR) در آمریکای لاتین و اتحادیه اروپا بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که دو سازمان عمده تجاری بین‌المللی یکی سازمان جهانی تجارت و دیگری «کادکس» تحت سیاست سازمان‌های متعلق به سازمان ملل، یعنی سازمان غذا - کشاورزی و سازمان جهانی بهداشت فعالیت‌کدهای بین‌المللی مواد غذایی را در اختیار دارند. پدیده جهانی شدن در صنعت غذایی نیز تأثیرات خاص خود را دارد. در این رابطه، مرزهای سیاسی کنونی کشورها اهمیت‌شان در بازار کالا به مرور کاهش می‌یابد. امروزه ارزش جهانی تجارت در بخش صنعت غذایی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار در سال است و کشورهایی مانند حوزه

عنوان تعریفی کاربردی پذیرفت و سرانجام، اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ آخرین تعریف امنیت غذایی مورد قبول تمامی شرکت کنندگان را به شرح زیر اعلام کرد: امنیت غذایی آن گاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد.

حق غذای کافی برای همه

قوانین بین‌المللی در موارد متعددی حق انسان در دسترسی به غذای کافی را مورد توجه قرار داده‌اند و پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز فراگیرتر از سایر نهادهای بین‌المللی به این مسأله پرداخته است.

بند اول ماده ۱۱ این پیمان حق هر فرد و اعضای هر خانواده را نسبت به برخورداری از استانداردهای لازم زندگی، از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی و لازم و بهبود مستمر شرایط زندگی مورد تأکید قرار داده است. در بند دوم همین ماده تأکید شده است که برداشتن گام‌های فوریتر و ضروریتر برای اطمینان از حق مسلم رهایی از گرسنگی و سوء تغذیه یکی از نیازهای انسان است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد نیز در بیستمین اجلاس خود که در ۲۶ آوریل تا ۱۴ مه سال ۱۹۹۹ در ژنو برگزار شد، مسأله حق غذا را مورد بحث قرار داد و تأیید کرد که حق غذای کافی به نحوی انکارناپذیر با شرافت بشر و سایر حقوق انسان در منشور حقوق بشر همبستگی دارد و عدالت اجتماعی در گرو پذیرش سیاست‌های مناسب اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ناظر به محو فقر برای همه افراد بشر، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی است.

در همین ماده تأکید شده است که حق غذا را نباید به صرف فراهم بودن سطح معینی از انرژی و پروتئین محدود کرد، بلکه این حق باید با گذشت زمان به طریقی مناسب تحول یابد و بهبود پذیرد. در این متن بر دو ویژگی مهم حق غذا، یعنی کفایت و پایداری هم تأکید شده است. مراد از کفایت، فراهم‌بودن شرایط مساعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی، اکولوژیکی و سایر شرایط لازم است، حال آن که معنای پایداری، فراهم و در دسترس بودن بلند مدت غذا است. به نظر این کمیته، محتوای

واقعی دسترسی به غذای کافی، دربرگیرنده دو نکته اساسی است: ۱- فراهم بودن غذا به مقدار و با کیفیتی که برای تأمین نیازهای غذایی افراد کافی می‌باشد، به نحوی که به مواد زیان‌آور آلوده نباشد و از نظر فرهنگی قابل پذیرش باشد، ۲- چنین غذایی باید به گونه‌ای پایدار و مستمر در دسترس باشد و با بهره‌مندی از سایر حقوق بشر منافاتی نداشته باشد. دسترسی هم به جنبه فیزیکی و هم به بعد اقتصادی مسأله اشاره دارد، یعنی غذا باید هم عملاً در دسترس باشد و هم همه افراد قدرت خرید آن را داشته باشند.

در این پیمان، وظایف قانونی کشورها نیز تعیین شده است. وظیفه اصلی هر دولتی آن است که هر چه سریع‌تر اقدامات لازم را برای نیل به حق غذای کافی به طور کامل انجام دهد. هر کشور باید برای همه اتباع خویش دسترسی به حداقل غذای لازم و کافی و سالم

○ در شرایط جاری، صنایع غذایی عامل مهمی در اقتصاد همه کشورها بشمار می‌روند.

○ ارزشی صنایع غذایی و کشاورزی در حدود ۱۵ درصد و ارزش آوری آن نیز در حدود ۱۰۰ درصد است و این یک ویژگی بی‌بدیل بشمار می‌آید.

را فراهم ساخته و رهایی همه شهروندان را از گرسنگی تضمین کند. اگر کشوری مدعی باشد که به دلایلی خارج از اختیار، قادر به انجام وظایف نیست، باید بتواند ثابت کند که همه تلاشش را در این زمینه به کار برده، ولی به توفیق کامل دست نیافته است. علاوه بر این، هر نوع تبعیض در دسترسی افراد به غذا و نیز هر گونه تبعیض در راه‌های تأمین و خرید غذا براساس عواملی چون نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، سن، دین، باورهای سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت و دارایی، مکان تولد و غیره مغایر با اصول پیمان یاد شده خواهد بود و به منزله انکار حقوقی بیان شده در آن است. این انکار ممکن است مستقیماً (از طرف دولت) اعمال شود یا در نتیجه ناقص بودن قوانین و مقررات به وجود آید.

گرچه فقط دولت‌ها امضاکننده این پیمان و در نتیجه، مسوول نهایی کردن آن هستند، ولی همه اجزای جامعه - اعم از افراد، خانواده‌ها، اجتماعات محلی، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و بخش خصوصی - در دستیابی به حق غذای کافی مسوولند و دولت باید شرایطی را فراهم سازد که این

مسئولیت‌ها تحقق پذیرد. بخش خصوصی - چه ملی و چه فراملیتی - موظف است که فعالیت‌های خویش را در چارچوبی سازماندهی کند که تأمین و وجود غذای کافی برای همه را، به نحوی که مورد توافق دولت و سازمان‌های غیردولتی باشد، تشویق کند. این که چگونه باید به این امر پرداخت، برای هر کشور به گونه‌ای است، ولی براساس این پیمان، تمام کشورها موظفند که اقدامات لازم را برای تضمین رهایی همه مردم از گرسنگی و تحقق هر چه سریعتر حق غذای کافی برای همه به انجام رسانند. بدیهی است که این امر مستلزم تصویب استراتژی ملی تضمین امنیت غذایی و تغذیه است. این استراتژی هم باید براساس اصول حقوق بشر باشد و اهداف سیاست‌ها و معیارهای لازم را برای سنجش پیشرفت، تبیین تعیین کند. علاوه بر این، منابع لازم برای دستیابی به اهداف و انتخاب بهترین شیوه عمل نیز جزئی از این استراتژی است.

تبیین و اجرای استراتژی ملی حق غذا باید با اصول اعتماد، شفافیت، مشارکت مردمی، تمرکززدایی، ظرفیت‌های قانونی و استقلال قوه قضاییه کاملاً انطباق داشته باشد. از سوی دیگر، این استراتژی نه تنها باید به نکات بحرانی و موضوعات مهم در تمامی فرایندهای نظام غذایی از جمله تولید، فرآوری، توزیع، بازاریابی و مصرف غذا توجه داشته باشد، بلکه باید به موازات آن به مسایل دیگر، از جمله بهداشت و درمان، آموزش، اشتغال و بیمه‌های اجتماعی نیز بپردازد.

از جمله نکات کلیدی این استراتژی باید تلاش در پیشگیری از بروز تبعیض در دسترسی به غذا یا منابع غذایی باشد. در این مورد می‌توان به مواردی چون تضمین دسترسی کامل و برابر به منابع اقتصادی، به ویژه برای زنان (مثلاً وراثت و مالکیت زمین و سایر دارایی‌ها)، اعتبار، منابع طبیعی، فن آوری مناسب، مشاغل و حرفه‌های شخصی و انفرادی برای افراد و خانواده‌ها در جهت کسب درآمد و تأمین زندگی آبرومند اشاره کرد. از جمله اقداماتی که دولت باید برای حفاظت از حقوق افراد در تأمین منابع اصلی غذا صورت دهد، تضمین این نکته است که فعالیت‌های بخش خصوصی و جوامع مدنی باید در انطباق با حق غذا برای همه افراد باشد، حتی در مواردی چون تعدیل اقتصادی، رکود، شرایط نامساعد جوی و جز اینها، باید اقداماتی صورت گیرد که حق غذای کافی، به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر خدشه‌دار نشود.

وضع کنونی غذا در جهان

تولید غذا در جهان در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال قبل نیم درصد افزایش یافته و از سال ۱۳۷۰

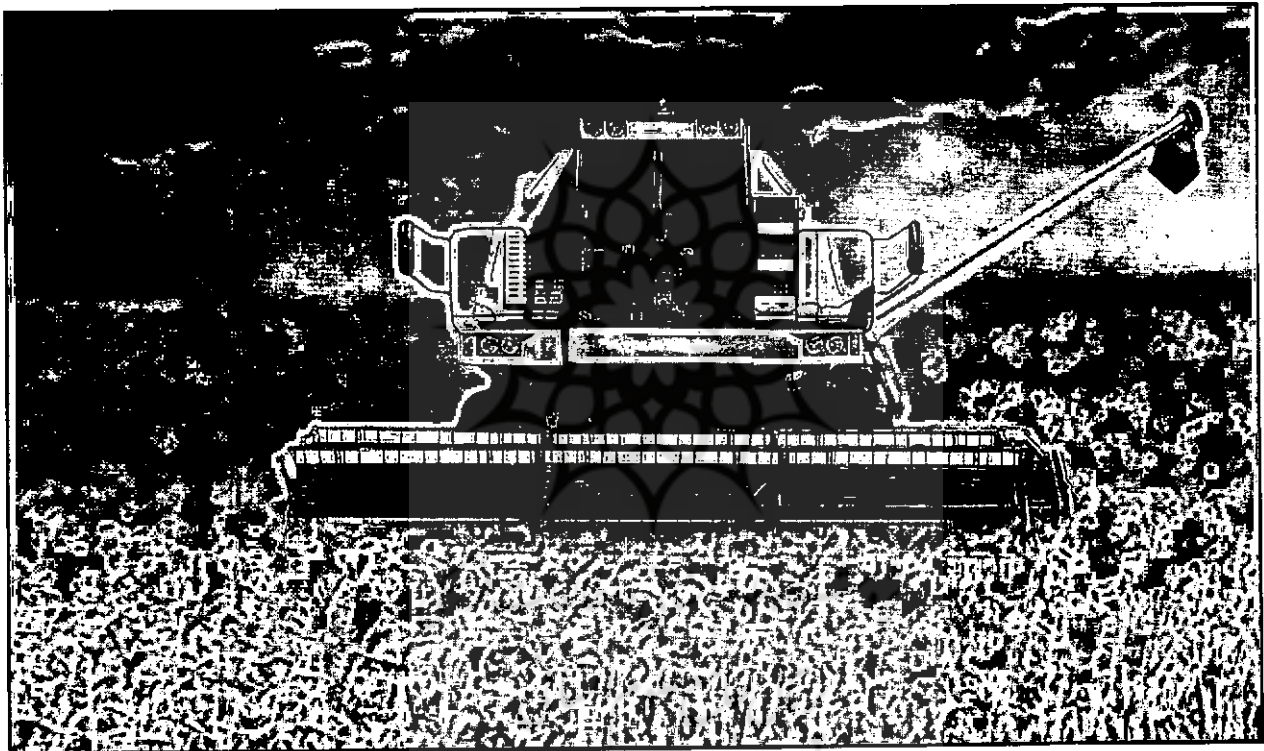
عدم حمایت مالی دچار بحران می‌شود. بهروز فروتن، یکی دیگر از کارشناسان صنعت غذا در گفت و گو با خبرنگاران فقدان برنامه‌ریزی‌های لازم را از معضلات دانست و گفت: غذاهای تازه و آماده و کنسروی در ایران مثل کشورهای پیشرفته جایگاهی ندارد. وی تصریح کرد: تا زمانی که کار کشاورزی و غذایی را جدی نگیریم، در اولین قدم توسعه در جا می‌زنیم و رقابت‌های موجود نشانه پیشرفت صنعت نیست، زیرا رقابت منجر به شکوفایی می‌شود نه حذف همدیگر از صحنه که این خود یک چالش اقتصادی است. وی همچنین ضمن اشاره به موضوع ایجاد اشتغال، فرآوری انواع فرآورده‌های کشاورزی، به کارگیری تکنولوژی مدرن و

سال ۱۳۷۷، برای این کشورها کمترین میزان رشد طی دهه جاری بوده است و اگر تولید سرانه را محاسبه کنیم، به افزایش بسیار جزیی ۰/۱ درصد خواهیم رسید. گروه کشورهای کم درآمد واردکننده غذا متأسفانه هم از نظر تولید زراعی و هم از نظر تولید دامی با بدترین عملکرد مواجه بوده‌اند و کاهش حدود یک درصد را در کارنامه خود ثبت کرده‌اند.

وضعیت کنونی صنعت غذایی از نگاه کارشناسان

علی امین الهی، مدیر عامل شرکت تعاونی کنسرو و صنایع غذایی ایران می‌گوید: در حال حاضر، هیچ کمبودی در بخش تولید و صادرات صنایع غذایی

تاکنون کمترین میزان رشد را داشته است. اگر تولید سرانه را محاسبه کنیم، در این سال به کاهش رشدی حدود یک ۰۰۰ صد م، رسم که از سال ۱۳۷۲ تاکنون بی‌سابقه بوده است. این کاهش رشد هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه روی داده است، با این تفاوت که کشورهای توسعه یافته با کاهش رشدی حدود یک درصد مواجه بوده‌اند، ولی کشورهای در حال توسعه با کاهش رشدی معادل ۱/۸ درصد روبرو شده‌اند. کاهش رشد در کشورهای توسعه یافته در سال ۱۳۷۷ در درجه نخست در اثر کاهش شدید تولید در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق به میزان ۱۰ درصد و بیشتر از این مقدار در فدراسیون روسیه، قزاقستان و اوکراین اتفاق افتاده



▲ امنیت غذایی؛ یعنی دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور یک زندگی سالم و فعال.

بسته‌بندی مناسب، بالا بردن ارزش افزوده و کسب سود برای کارآفرینان و صادرات را از مهمترین راه‌های نجات این صنعت عنوان کرد.

آینده و وضع غذا

در میان مدت، وضعیت غذا و به تبع آن، وضع امنیت غذایی در جهان تا حد زیادی در گرو وضع اقتصاد بین‌المللی است. اینک در نتیجه بحران‌های مالی جهانی، چشم انداز فعالیت‌های اقتصادی تا

وجود ندارد. وی گفت: در صورت تأمین نقدینگی مورد نیاز واحدهای صنعتی از سوی نظام بانکی و تعدیل بهره‌های دریافتی، علاوه بر ایجاد اشتغال، می‌توان زمینه توسعه اقتصادی را نیز فراهم کرد. وی افزود: مشکلات و معضلات موجود سبب شده که واحدهای فعال این بخش با کمتر از نیمی از ظرفیت خود فعالیت کنند. وی سپس تأکید کرد که ۹۰ درصد مواد اولیه مصرفی صنایع غذایی از بخش کشاورزی و وزارت جهاد کشاورزی تأمین می‌شود. این صنعت در صورت

است. اما کشورهای اروپای شرقی توانسته‌اند تولیدشان را در حد قبل حفظ کنند. در بین سایر کشورهای توسعه یافته، تولید در آمریکا و استرالیا کمی افزایش داشته، در حالی که در ژاپن و اروپای غربی با اندکی کاهش مواجه بوده است.

گرچه کشورهای در حال توسعه برای سومین سال متوالی با کاهش رشد تولید مواجه بوده‌اند، در مجموع، تولید خویش را سریع‌تر از کشورهای توسعه یافته افزایش داده‌اند. رشد تولید ۱/۸ درصد در

حدود زیادی تضعیف شده است. براساس برآوردهای بانک جهانی، در سال ۱۳۷۷ رشد اقتصادی جهان در حد محدود ۱/۸ درصد متوقف شد. در این سال، کشورهای در حال توسعه رشدی معادل ۲ درصد داشته‌اند، رشد حجمی تجارت کاهش یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نزول رابطه مبادله تجاری متضرر شده‌اند. گرچه رشد اقتصادی در همه کشورهای در حال توسعه کاهش یافته، ولی مشرق آسیا به دلیل مواجه شدن با بحران مالی شدید، بیشترین زیان را تحمل کرده است. دورنمای کوتاه مدت آینده نیز، به خصوص با توجه به شرایط موجود و روند بهبود، با بی‌اطمینانی‌هایی مواجه است.

بانک جهانی رشد اقتصادی جهان را در سال ۱۳۷۸ حدود ۱/۹ درصد و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را ۲/۷ درصد برآورد می‌کند، ولی به نظر می‌رسد که وضع در سال ۱۳۷۹ بهتر شده و اقتصاد جهان با رشدی معادل ۲/۷ درصد و کشورهای در حال توسعه با رشدی معادل ۴/۳ درصد مواجه بوده‌اند.

در میان مدت، یعنی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، رشد اقتصادی جهان ۳/۲ درصد و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه ۵/۲ درصد پیش‌بینی شده است.

البته باید در نظر داشت که این پیش‌بینی‌ها همواره با بی‌اطمینانی‌هایی نیز همراه است و حتی خود بانک جهانی نیز خطر کاهش رشد را منتفی ندانسته است. آنچه مسلم است، آن‌که هر که کاهش در رشد اقتصادی جهان، بلافاصله بر درآمد، اشتغال و امنیت غذایی خانوارهای فقیر اثری منفی خواهد داشت. اثر منفی رکود اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در آن گروه از کشورهای در حال توسعه‌ای که به درآمدهای صادراتی حاصل از صدور کالاهای خام و به سرمایه‌های کوتاه‌مدت خارجی برای تأمین کسری تعادل حساب‌های جاری خویش متکی هستند، بیشتر احساس خواهد شد.

امنیت غذایی

در سال ۱۳۷۵ سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، برای جلب توجه جهانیان نسبت به وخامت وضع گرسنگی و ناامنی غذا در جهان، سران همه کشورهای جهان را به شرکت در اجلاس تحت عنوان «اجلاس جهانی غذا» دعوت کرد. این اجلاس که در رم، محل استقرار دبیرخانه این سازمان، برگزار شد، با استقبال گسترده‌ای مواجه شد. دستاورد نهایی این گردهمایی نیز همانا تصویب یک بیانیه سیاسی با عنوان «بیانیه رم» و یک «برنامه عمل» به عنوان سند اجرایی اجلاس بود. مهم‌ترین هدف بیان شده در این اسناد، کاهش تعداد گرسنگان جهان از ۸۴۰ میلیون

نفر، به ۴۰۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ بود.

اما آمارهای موجود نشان می‌دهند که طی مدتی که از این تصمیم‌گیری می‌گذرد، نه تنها جهان به هدف فوق نزدیک نشده، بلکه با افزایش مطلق تعداد گرسنگان، فاصله وضع موجود تا هدف تعیین شده، افزایش یافته است. یکی از مشکلات قضاوت دقیق در این زمینه نیز دشواری‌های موجود در مورد آمار و اطلاعات است. در بسیاری از کشورها، آمار به روز و واقعی از میزان غذای مصرف شده موجود نیست. FAO هم برای جبران این کمبود، روش برآوردی مبتنی بر ترکیب اطلاعات موجود در زمینه عرضه غذا، جمعیت و میزان دسترسی به غذا (انبارداری‌های موجود در توزیع غذا) را برای سنجش میزان گرسنگی ملاک عمل قرار داده است. اعمال این روش برای ۹۸ کشور در حال توسعه بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۱ مبین وجود ۸۴۰ میلیون نفر گرسنه بوده و این رقم به عنوان مبنای در اجلاس فوق‌الذکر مورد قبول واقع شده است.

ارزش جهانی تجارت در بخش صنایع غذایی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار در سال برآورد نشده و کشورهای حوزه اروپای غربی، آمریکای شمالی، آسیا و آمریکای لاتین سهم عمده‌ای در این تجارت دارند.

سرمایه‌گذاری در کشاورزی و امنیت غذایی

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد به منظور تخمین حجم سرمایه لازم برای کشاورزی و امور زیربنایی و خدمات مربوط به آن در جهت نیل به امنیت غذایی، دو برآورد را به دست آورده است: یکی از این برآوردها از طریق مطالعه و پیش‌بینی وضع کشاورزی تا سال ۱۳۸۹ به عمل آمده است. در این پیش‌بینی فرض شده است که روند موجود همچنان ادامه یابد. در سناریوی دوم برآورد حجم سرمایه لازم با این فرض انجام شده است که طبق هدف اجلاس جهانی غذا، تعداد گرسنگان تا سال ۱۳۹۴ به نصف تقلیل یابند. در این برآوردها، هر نهادی که به نحوی به ظرفیت تولید کشاورزی بیفزاید، سرمایه به حساب آمده است. بدین صورت، علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، حفاظت منابع طبیعی، دانش و سرمایه انسانی، زیربنای روستایی و ابزارهای بعد از برداشت نیز جزو سرمایه‌های کشاورزی محاسبه شده‌اند. از جنبه‌های دیگر، سرمایه کشاورزی از دو جزء سرمایه خصوصی و عمومی تشکیل می‌شود و شامل منابع مالی (مانند خرید ماشین‌آلات) و منابع غیرمالی (مانند

بهبود اراضی یا بهره‌گیری از کارگر خانوادگی یا حفاظت از منابع ژنتیکی) است. در برآورد اول (حفظ وضع موجود) تا سال ۱۳۸۹ سالانه به طور متوسط ۱۶۸ میلیارد دلار سرمایه لازم خواهد بود. برآورد دوم که هدف به نصف رساندن تعداد افراد دچار سوء تغذیه را تعقیب می‌کند، به سرمایه متوسط بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار در سال نیاز دارد. بیشترین سرمایه را هم باید بخش خصوصی تأمین کند. بنابراین، فراهم‌ساختن یک فضای اطمینان بخش و تشویق کننده از طرف دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، از عوامل کلیدی موفقیت در این راه است. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی به عنوان یک پیش‌نیاز برای تدارک سرمایه‌های خصوصی امری ضروری است. حجم این سرمایه‌گذاری با نوع فعالیت تغییر می‌کند. در حالی که در تولید مستقیم سهم سرمایه‌گذاری دولتی بسیار کم است و میزان آن حدود ۲ میلیارد دلار در سال برای خدمات آبیاری برآورد شده است، در تحقیقات و امور زیربنایی کل سرمایه باید از طرف دولت تأمین شود.

اطلاعات فشرده ارائه شده در این مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات سالانه سرمایه‌گذاری کشاورزی در کشورهای توسعه یافته، معرف روندی نزولی در میزان تشکیل سرمایه است و در کشورهای در حال توسعه نیز افزایشی بسیار اندک دیده می‌شود.

سخن آخر

گفتنی است که پی بردن به عظمت مشکل و خطری که کشور ما را تهدید می‌کند، کار چندان دشواری به نظر نمی‌رسد و مسلماً حل چنین مشکلی نیازمند عزم و اراده ملی و فراگیر مردم و مسوولان است، و امیدواریم قبل از آنکه تشدید «مشکل غذا» صدمه‌ای جدی را وارد آورد، به خصوص مورد توجه جدیتر مسوولان قرار گیرد تا با اتخاذ تدابیر صحیح و با توجه به امکانات کشور، در جایگاهی که لایق آن هستیم، قرار بگیریم.

منابع

- ۱) بولتن اقتصادی خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۲) راهنمای صادرات و واردات مواد غذایی/ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳) چکیده مقاله لیلیا کاری خامنه در ابرار اقتصادی/ فروردین ۱۳۸۱.
- ۴) چکیده مقاله دکتر محمدسعید نوری نایینی در ابرار اقتصادی/ بهمن ۱۳۸۰.
- ۵) گزارش جهان اقتصاد/ اردیبهشت ۱۳۸۱.